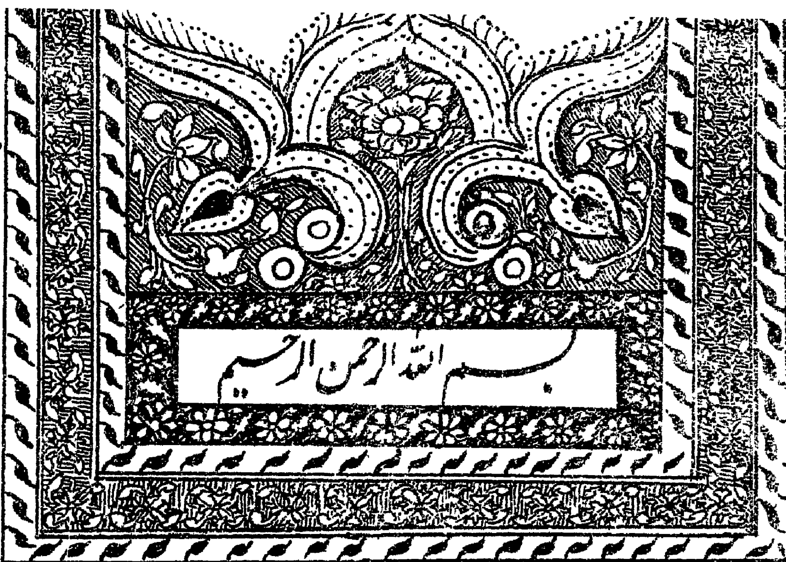
كل من عليها فان

بحوله تعالی تمام شد رساله مصطفوی مسمی به



بغره محرم الحرام در مطبع قدوسی طبع شد

ويبقى وجه ربك ذو الجلال والاكرام



مورخان ازلی را عقود نتایج افکار مشکل در مقدمات تواریخات حمد و ثنای
حق عز و جل لاینحل است و معماوان ابدی را قصور و خیالات مطول اندرین باب
از اسباب تحیر و تدخل در رد و بدل و همچنین حال است که کاینات الیشان در مادهٔ
تواریخ نعوتات مفخر موجودات علیه الصلوة والتحیات خالی نباشد از تتمیم علل
و مدح اصحاب و آل بخیر منوال است که اکثر تجسس تفکر اوشان در شان سنین شان
اولیا حق الملک الصمد میگوید کمترین بندگان خلاق محمد عبید الرحمن المعروف بعبد الله مشتاق
که این چند اوراق در بارهٔ تاریخ بنای آفاق است و نیز از سنینهای انبیا و اولیای اشرف
و مصنفان و شعرا و امرای سلف و خلف ملحق بالحاق که از کتب متعددهٔ متقدمین
فراهم کرده و از تصنیفات متاخرین السنهٔ تاریخ شمسی و قمری بهم آورده مسمی
تیمناً بتاریخ نبوی ۱۲۷۹ که نام و تاریخ برد و مساوی آنست گویند
حکما شد که حق سبحانه لا مثل له والثانی در عالم فانی چهل و سه لک و بست هزار سال
شمسی یکدور بنا فرموده که مشتمل بر چهار قرن است قرن اول ست جگ نام که مدت آن
۱۷۲۸۰۰۰ هفده لک و بست و هشت هزار سال بوده است و قرن دوم را

ترتیا نام که مدت آن ۱۲۹۶۰۰۰ دوازده لک و نود و شش هزار سال بوده
قرن سوم را دواپر نام باشد مدت آن ۸۶۴۰۰۰ هشت لک و شصت و چهار
هزار سال بوده است قرن چهارم را کل جگ نام است ابتدای آن ماگه بدی اماوس
یعنی بست و هشتم ماه که آفتاب در جدی بود و این زمان عمل اوست مدت آن
۴۳۲۰۰۰ چهار لک و سی و دو هزار سال است تا این مدت منجمله مدت
کل جگ ۴۹۲۸ چهار هزار و نهصد و بست و هشت سال گذشته و ۴۲۷۰۷۲
چهار لک و بست و هفت هزار و هفتاد و دو سال باقی مانده هرگاه که باقی کلجگ تمام
خواهد شد دور دیگر بترتیب مذکور اگر خدا خواهد شروع خواهد شد والله اعلم
تاریخ بنای عالم تخمیناً تا این دم ۱۹۵۵۸۴۹۶۸ نوزده کرور
پنجاه و پنج لک و هشتاد و چهار هزار و نهصد و شصت و هشت سال شمسی گذشته
تاریخ حضرت آدم علیه السلام تا این دم ۷۲۰۶ هفت هزار و دو صد و
شش سال شمسی گذشته **تاریخ طوفان نوح علیه السلام** ۴۹۶۴
چهار هزار و نه صد و شصت و چهار سال شمسی گذشته **تاریخ ابراهیم علیه السلام**
۴۲۵۲ چهار هزار و دو صد و پنجاه و دو سال شمسی گذشته و **تاریخ
موسی علیه السلام** ۳۱۷۹ سه هزار و یکصد و هفتاد و نه سال شمسی گذشته
تاریخ داود علیه السلام ۳۵۸۴ سه هزار و پنج صد و هشتاد و چهار سال
از سالهای شمسی گذشته

بیان تاریخ هجری نبوی ﷺ

اسامی مشهوره شهور قمری هلالی که در تاریخ عرب متداول باشد این است محرم الحرام
صفر المظفر ربیع الاول ربیع الثانی جمادی الاول جمادی الآخر رجب المرجب شعبان المعظم

رمضان المبارک شوال المکرم ذی قعده ذی الحجه چون حساب ابتدای ماه از روز دوم رویت هلال گیرند
آنرا غره نامند و هر روز رویت هلال منتهی نمایند آنروز را سلخ گویند و در هر سال شش ماه ازین
شهور هلالی سی روزه باشند و شش ماه بست و نه روزه پس تمامی مدت دوازده شهور هلالی
سه صد و پنجاه و چهار روز باشد و مبدا این تاریخ هجری از زمان هجرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم
از مکه معظمه بمدینه منوره است لهذا سال این تاریخ را سنه هجریه نامند و در وقت تحریر این رساله
یکهزار و دو صد و هفتاد و نه سال است و صاحب عجائب البلدان آورده است که سبب وضع
تاریخ هجری آنست که ابی موسی اشعری که حاکم یمن بود در زمان خلافت حضرت عمر رضی الله عنه نامه
نوشت که از جانب شما مکاتیب که بمن صدور مینمایند تاریخش معلوم نمیشود که کدام وقت نوشته
شده باید که بار دیگر اگر نامه بمن نگارند بتعیین تاریخ آن باید پرداخت پس عمر رضی الله تعالی عنه
با اصحاب پیغمبر علیه الصلوة والسلام بجهت وضع تاریخ مشوره کرد بعضی گفتند که بنای تاریخ بر وفات
سرور کائنات باید نهاد که واقعه عظیم بود عمر رضی الله عنه این را پسند نکرد که مرا ازین امر بسبب یاد
وفات آن حضرت بر لحظه غم تازه رو خواهد داد و بعضی گفتند که بنای کار بر بعثت آن سرور موجودات
باید ساخت این معنی را نیز نه پسندیدند که ازین اندوه دائم زیاده خواهیم کشید زیرا که دران وقت
بضلالت گرفتار بودیم هرگاه که تاریخ کفر خود بیاد خواهد آمد بشکنجه هموم خواهیم کشید پس این عقده
مشکل مرقوم ساخته بجناب امیر المومنین علی مرتضی رضی الله تعالی عنه فرستادند آنحضرت اشارت
هجرت فرمودند پس بنا بر اشارت آنحضرت مبداء تاریخ از هجرت نمودند چه هجرت ابتدای ظفر و
نصرت و قوت اسلام بوده از انوقت روز بروز دولت اسلام ترقی پذیرفت و هجرت عبارتست
از تشریف فرمودن خیر البشر از مکه معظمه بسبب ایذای کفار بسوی مدینه منوره بتاریخ بست و هفتم
صفر و داخل شدن بمدینه بود از دهم شهر ربیع الاول و این تجویز تاریخ هجری بسال هفدهم بوده
است از هجرت یعنی بوقت معین کردن تاریخ هجری هفده سال بر هجرت گذشته بود چون

چون آن حضرت صلی الله علیه [illegible] هجرت از ابتدای محرم پیش نهاد خاطر داشتند لهذا هنگام
[illegible] بشمار رفته این تفاوت یکماه و بیست و شش روزه را از نظر
انداختند یا آنکه [illegible] باعث ابتدا از محرم کردند و چون مورخان
واساتذهٔ علم [illegible] تهجی که از آن کلمات ابجد موضوع اند عددی از اعداد بحساب جمل
وضع داشته اند تا تاریخ [illegible] و مرکوز و مدعا از آن حاصل آید و سن و سال بحساب جمل کامل برآید

ا	ب	ج	د	ه	و	ز
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
۸	۹		۲۰	۳۰	۴۰	۵۰
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش
۶۰	۷۰	۸۰	۹۰	۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰
ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
۴۰۰	۵۰۰	[illegible]	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰	۱۰۰۰

ابجد	هوز	حطی	کلمن
سعفص	قرشت	ثخذ	ضظغ

بدانکه معانی این الفاظ [illegible] مدار الافاضل چنین نوشته ابجد ای وجد فی المعصیة یعنی
پدر من که آدم بود یافته شد در گناه یعنی گناه ازو بوجود آمد هوز [illegible]

کرد ہوای نفسانی خود را شیطانی ای خطا فرتبه با التوبة والاستغفار یعنی کم کرده شد گناه او بتوبه کردن و استغفار **کلمن** ای تکلم جملة خنا حلیة ... الرسم یعنی کلام کرده تخمه پس قبول شد توبه او **سعفص** ای اندق علیه ... یعنی تنگ شد برو دنیا پس ریخته برو **قرشت** ای اقر بذنبه فشرف بالکرامة یعنی اقرار کرد بگناه خویش پس شرف بکرامت یافت **ثخذ** ای اخذ ... شد قوت یعنی گرفت از حق تعالی قوت را **ضظغ** ای ... نزع الشیطان بالعزیمت یعنی بند شد از و نزع شیطان ... و بعضی ... جاد نام پادشاهی بود ... بجد مخفف آنست و هفت کلمات باقی اسماء هفت فرزندان اوست چنانچه در صراح وغیره تصریح آن کرده اند و بعضی نوشته اند که مرامر نام مردی بود که خط نوشتن ایجاد اوست این هشت کلمات اسمای هشت فرزندان اوست و در رساله ضوابط عظیم معنی هر هشت الفاظ مذکوره چنین نوشته ابجد آغاز کرد هوز در پیوست حطی واقف شد کلمن سخنگو شد سعفص از و آموخت قرشت ترتیب کرد ثخذ نگاه داشت ضظغ تمام کرد غیاث

از صاحب حسرت

آئینهٔ صورت نمای حالات ائمه و ادوار اشعار تواریخ ندرت شعار تواریخ وفات و تصحیح سن شریف آن حضرت صلی اللہ علیه وسلم

چون شفیع الوری بحکم خدا	شد ز دار الفنا بقصر بقا
عمر آن شاه قبلهٔ آمال	ابن عباس گفت شصت و سه سال
روز مولود و نقل آن محمود	گفت شاه نجف دوشنبه بود
لیک تاریخ آن شفیع امم	از ربیع یکم دوازدهم

سال نقلش خرد بہ نعیہ خواند — از محمد زمانہ خالی ماند

سال نقلش حسین غم افزا شد — جان ز دین رفت و دین ز دنیا شد

شد رقم سال نقل آن حالی — حیف بے احمد است دین خالی

باز گو سال نقل آن شہ دین — بدل دردمند جان حزین

احمد ار انبیا سر آمد بود — زان سبب زانبیا عروج نمود

باز تاریخ نقل او دریاب — زندگی رفت بیشک ز اصحاب

سال نقلش ز عقل ثابت گشت — روح اکبر ز اہلبیت گذشت

گفت تاریخ نقل او رضوان — کہ شدہ حیف از عجم ایمان

سال نقلش بخوان برنج و تعب — ماندہ صد حیف بے کرام عرب

باز تاریخ نقل او بر خوان — مکہ شد از فراق او بے جان

سال نقلش بگو بنالہ و آہ — گر مدینہ بشد نبی اللہ

چون شفیع الوری ز دنیا شد — شدہ تاریخ در ز دریا شد

نتوان گفت در ز دریا شد — بلکہ گویم کہ جان ز دنیا شد

تواریخ رحلت و تصریح عمر حضرت صدیق اکبر رض

آنکہ او صادق الوری بودہ — یار پیغمبر خدا بودہ

عمر آن شاہ صادق الاقوال — بود بے اشتباہ شصت و سہ سال

بر سریر خلافت از تقدیر — چند ماہ و دو سال ماند امیر

آمد تاریخ او چو گوہر سفت — روز فوتش چہارشنبہ گفت

بیست و دوم جمادی اخری بود — کہ بدار البقا نقل نمود

عقل سال وصال او فہمود — در سن [illegible] رفت صاحب جود

قبر او جنب قبر پیغمبر | ... تجو ... قر

تاریخ رحلت ... عمر رض

شنبه و غرهٔ محرم بود | ... نقل ... جهان فرمود
بسکه در عدل سعی و کدش بود | ... هم سال گذر فرمود
سال نقلش خسرو بحسرت خواند | ... بیکس ماند

تاریخ رحلت ... عثمان رض

چونکه او ذال خیره احسان بود | ... رحلتش فرمود
سال نقلش بگو بدرد و الم | ... وحیا شهدا عالم

تاریخ رحلت حضرت علی رض

آنکه زوج بتول حق بوده | ... رسول حق بوده
گر تو سال شهادتش ... | ... ماتم ... گوئی
این سخن ... صاحب غم | ... این ماتم
باز سال شهادتش که جلی است | ... خسرو حرف علی است

تاریخ رحلت حضرت فاطمه زهرا رض

فاطمه آنکه سید ... | برگزیدش به بضعة منی
سال فوتش به تعمیه ... خوان | ... دنیا ... ماتمش بیجان

تاریخ تولد و رحلت امام حسن رض

حسن آن پادشاه کون مکان | ... ابو محمد دان
نقل سال ولادت آن شاه | ... حرف ... بسم الله
لیک از روی اختلاف بگو | ... سال زادن او

انتهای تمام بسم الله	آن دو حرف است سال رحلت شاه
هاتفم گفت سال نقل امام	حیف آفاق ماند بے اسلام
در بقیع مزار او آمد	رحمت حق نثار او آمد

تاریخ ولادت و شهادت حضرت امام حسین رض

بعد او شاه کشور کونین	بیگمان آمده امام حسین
کر به حرف نخست بسم الله	سیر الحمد را کنی همراه
سال مولود آن شهنشه دین	می برآید ازان دو حرف به بین
سخن مختلف ز عام این است	سال مولود او سر دین است
جمعه و عاشر محرم بود	که سوی خلد امام نقل نمود
سورهٔ فاتحه تمام بخوان	بعد ازان بر دو حرف منقطع آن
بیشک و زیب نبگری دو گواه	بهر سال شهادت آن شاه
سال نقلش بگفت غمگینے	سر دین را برید بے دینے
من چه گویم کربلا را واقعات	آه بیرون آمده از اسم ذات

تاریخ ولادت و وفات امام زین العابدین رض

آن امام زمانه زین عباد	مثل او مادر زمانه نزاد
آنکه او راست رتبهٔ اعلی	شده سال ولادتش والا
سال ترحیل آن شه بے عیب	زیب دین بود گفت هاتف غیب
سال نقلش خرد بماتم و غم	زد رقم ماه رفت از عالم

تاریخ ولادت و وفات حضرت امام محمد باقر رض

آن امامیکه باقرش نام است	هادی خاص و مرشد عام است

سال مولود آن سعید و رشید	عقل با صد نشاط گفت مجید
سال تشنقار آن شهِ دوران	هاتف غیب گفت باز جنان

تاریخ ولادت و وفات حضرت امام جعفر صادق رضه

انکه او بود جعفر صادق	لقب اوست ثابت و واثق
سال مولود آن شریف و نجیب	هاتف از اوج عرش گفت حسیب
انکه او بود خسرو دوران	سال نقلش سم جنان برخوان

تاریخ ولادت وفات حضرت امام موسی کاظم رضی الله عنه

انکه موسی کاظمش نام است	قدوهٔ روزگار ایام است
خلق را هادی خفی و جلی است	سال مولود او امام ولی است
ملک العرش و حور خلد برین	سال نقلش بگفت عمدهٔ دین

تاریخ ولادت و وفات حضرت امام علی موسی رضا رضی الله عنه

آن امام زمان علی رضا	هادی و مهدی رجال و نسا
گفت هاتف بهر ولی و نقیب	سال مولود او امام نجیب
سال ترحیل آن امام زمان	خردم گفت صاحب ایمان
سال نقلش با خلاف عوام	گفته ام صاحب جنان با نام

تاریخ ولادت و وفات حضرت امام محمد تقی رضی الله عنه

آن امام متقی جواد زمان	لقب او زکی و وقایع دان
در جهان بود صابر و واثق	شده سال تولدش صادق
سال سم دادن تقی زمان	دین ز مردم برون شده برخوان

تاریخ ولادت و رحلت حضرت امام علی نقی رضی الله عنه

آن نقی زمان امام ہمام	ہادئ خلق و رہنمای انام
سال مولود آن ز روئ سند	اکمل الکمل است گفت خرد
سال نقلش باتفاق جہان	کو نقی بود زیب دین برخوان
سال ترحیل آن امام زمان	خرد م گفت زیب عدن و جنان

تاریخ ولادت و وفات حضرت امام حسن عسکری رضی اللہ عنہ

حسن عسکری کہ معصوم است	ہمچو آبائی خویش مسموم است
سال مولود او بلطف قدیر	مظہر الحق رقم نمود کبیر
سال نقلش براستی برخوان	کہ شدہ حرف رحمت از دوران

تاریخ شہادت حضرت امیر حمزہ رض

بیگمان حمزہ سید الشہدا است	کہ خدا و رسول ہر دو گوا است
سال نقلش نہ کم نہ افزون شد	اہل دین از زمانہ بیرون شد

تاریخ رحلت حضرت عباس رض

در جہان بود آنکہ خیر الناس	نام نامی او بگو عباس

سال نقلش بدرد و غم برخوان
ماندہ آفاق خالی از سلطان

تاریخ رحلت حضرت اویس قرنی رض

عمدۂ اولیا اویس قرن	قدوۂ دہر مقتدائے زمن

سال نقلش باتفاق بہ خوان
حیف ہادی برون شدہ ز جہان

تاریخ رحلت خواجه حسن بصری رض

حسن بصری آن خدا آگاه	مقتدای همه ولی الله
حسن بصری ست با حق دوست	اهل دین بود سال رحلت اوست

١١٠ھ

تاریخ رحلت حضرت خواجه حبیب عجمی رض

مقتدای زمانه شیخ حبیب	عجمی بود آن عزیز نجیب
سال نقلش سروش ربانی	گفت بوده حبیب یزدانی

١٣٠ھ

تاریخ ولادت و وفات حضرت رح امام اعظم نعمان بن ثابت ابوحنیفه کوفی

آنکه او بود شاه مجتهدان	نام او بوحنیفه نعمان رر
سال مولود آن شه والا	سر علماست یا سر فقها رر
عقل تاریخ او چو گوهر سفت	سال ترحیل او معلّی گفت

٨٠ھ
١٥٠ھ

تاریخ رحلت حضرت امام ابویوسف رح

پیشوای زمانه یوسف بود	نقل او موجب تاسف بود
از رجب پنجم و بیست بود	که بفردوس رحلتش فرمود
شب آدینه بود کان والا	رفت زین تیره خاکدان بالا
سال ترحیل او بلا اشتباه	گفت هاتف امام دین اله

١٨٢ھ

تاریخ رحلت حضرت امام محمد رح

مفتی شرع و دین محمد بود	تابع ذات پاک احمد بود
سال نقلش که بهر گوهر سفت	ماه برج فلک ملایک گفت

١٨٩ھ

تاریخ ولادت و رحلت حضرت امام شافعی رح

بہمہ علم و فضل و صدق و یقین	شافعی بود فخر مجتہدین
سال مولود او معلی دان	سال ترحیل او مقدس خوان

۲۰۴ھ — ۱۵۰ھ

تاریخ ولادت و رحلت حضرت امام مالک رح

مجتہد در زمانہ مالک بود	عارف و سالک مسالک بود
سال مولود مالک دوران	گفت ہاتف زہی جواد جہان
بود چون رہنمائے دین متین	سال ترحیل اوست قدوۂ دین

۹۵ — ۱۷۹

تاریخ رحلت حضرت امام احمد حنبل رح

آنکہ او بود احمد حنبل	شد ازو فخر علم و زیب عمل
سال ترحیل آن خدا آگاہ	شد رقم صاحب جنان الہ

۲۴۱ھ

تاریخ رحلت حضرت سفیان ثوری

آنکہ سفیان ثوریش نام است	مرشد خاص و رہبر عام است
مرقد عالیش بہ بصرہ بدان	سال ترحیل او ہمائے جہان

۱۶۱

تاریخ رحلت حضرت معروف کرخی رح

آنکہ معروف کرخی است بگو	دل کرخی است سال رحلت او

۲۰۰

تاریخ وفات حضرت ذوالنون مصری رحمہ اللہ

آنکہ ذوالنون مصریش نام است	قدوۂ اولیاء ایام است
سال شفقار آن ولی زمان	خردم گفت باز عدن و جنان

۲۴۵ھ

تاریخ ولادت و وفات محمد بن اسمٰعیل صاحب صحیح بخاری

آن محمد کہ ابن اسمٰعیل	بود بیشک خلیل رب جلیل
جون صحیح بخاری ہست ازو	زان بخار است عنبر ہمہ سو

در احادیث پیشوائے ہمہ … در رہِ شرع مقتدائے ہمہ

سال مولودِ آن خدا آگاہ … گفت ہاتف عزیزِ دین الہ

سال نقلش ز اوجِ ہفت طبق … ہاتفِ غیب گفت قطب الحق

تاریخ رحلت حضرت سری سقطی رح

عمدۂ اولیا سری سقطی … قدوۂ اصفیا سری سقطی

سال ترحیلِ آن مہِ عرفان … شدہ مرقوم زیبِ عدن و جنان

تاریخ ولادت و رحلت عبد اللہ ابو مسلم صاحب صحیح مسلم رح

پیشوائے زمانہ مسلم بود … بکمالاتِ دین مسلم بود

سالِ مولودِ آن یگانۂ وطاق … خردم گفت ہادیِ آفاق

سال تاریخ نقل او بیشک … صاحب اہلِ عدن گفت ملک

تاریخ رحلت حضرت سلطان ابراہیم بن ادہم رح

پورِ ادہم کہ بود ابراہیم … صاحب معرفت بقلب سلیم

بر سر تخت فقر سلطان بود … بر سرش تاج نور عرفان بود

صاحبِ تخت بود آن سلطان … تارکِ سلطنت شد از دل و جان

اختیار طریق شاقہ گرفت … قوت خود را بفقر و فاقہ گرفت

بشب جمعہ سال رحلت آن … عقل مصباحِ عدن گفت بخوان

تاریخ ولادت و رحلت بایزید بسطامی رح

محو حق بایزیدِ بسطامی … روّح اللہ روحہ السامی

سالِ مولودِ آن شہنشہِ دین … سرِّ صوفی بجان بصدق و یقین

سالِ ترحیل آن مکمّل حق … شد رقم بایزید واصل حق

تاریخ وفات حسین بن منصور حلاج

شاہباز ہوائے عالم نور	ہست بیشک حسین بن منصور
سال تاریخ قتل او بیشک	قبلۂ اہل عدن گفت ملک

٣٠٩

تاریخ وفات حضرت شیخ جنید بغدادی رحمہ اللہ

معدن علم و قلزم عرفان	سید الطائفہ جنید ست آن
شافعی مذہب ست آن عارف	بشنو از من اگر نہٗ واقف
سال ترحیل روز ہفت طبق	گفت ہاتف جنید واصل حق

٢٩٨

تاریخ وفات حضرت شیخ شبلی رحمہ اللہ

شیخ شبلی کہ بحر عرفان بود	روز نقلش بہ عید قربان بود
مالکی مذہب ست آن مقبول	بیشک و ریب از فروع و اصول
اسم شبلی شمار کن بہ یقین	ہست تاریخ آن سلالۂ دین

٣٣٤

تاریخ رحلت صاحب صحاح اللغات ابو نصر اسماعیل بن حماد الجوہری رح

آنکہ ذاتش بصد صفات آمد	جوہری کاشف اللغات آمد
سال ترحیل او ز روئے حساب	مظہرا رحمۃ العلی دریاب

٣٩٣

تاریخ رحلت سلطان محمود غزنوی رح

آنکہ محمود غزنوی بودہ	واقف سرّ معنوی بودہ
سال شنعار آن خدیو زمان	ہاتفم گفت شاہباز جنان

٤٢١

تاریخ رحلت حضرت ابو الحسن خرقانی رح

بو الحسن بود آنکہ خرقانی	شنیدم سال او ثمانی
شدہ تاریخ صاحب خرقان	بو الحسن زیب جائے عدن و جنان

٤٢٥

تاریخ ولادت و رحلت حکیم ابوعلی سینا

آن حکیمی که بوعلی سیناست	در همه علم واقف و بیناست
سال مولود او دل بینا	گفت قایل ابوعلی سینا
سال نقلش خرد عیان ننهفت	رحمه الواحد العزیز بگفت

۳۷۳ ۴۲۸

تاریخ ولادت و رحلت حضرت عبدالله انصاری

آنکه او بود قدوهٔ انصار	بیگمان مرشد صغار و کبار
نام آن عارف خدا آگاه	خواجهٔ فیض بخش عبدالله
سال مولود و سال رحلت او	جان انصار و اهل جنت گو
سال نقلش باختلاف عباد	هاتفم گفت زیب جنت داد

۴۸۵ ۳۹۶ ۴۸۱

تاریخ رحلت حضرت امام محمد غزالی رح

آن محمد امام غزالی	صاحب کشف و رتبهٔ عالی
سال شنغارش از جهان در رو	جا و دان شاهباز عدن بگو

۵۰۵

تاریخ رحلت حضرت حکیم سنائی مولف حدیقة الحقایق

آن حکیم زمان سنائی بود	عالم از وی بروشنائی بود
در جهان بود افصح الشعرا	در زمان بود احسن الفصحا
از تصانیف او حدیقه بدان	بگل و میوهٔ دقیقه بدان
سال نقلش بمرتبه و حکمت	گفت هاتف و زهی گل جنت

۵۲۵

تاریخ رحلت جارالله زمخشری صاحب تفسیر کشاف

آنکه او بود صاحب کشاف	دلش از کینه و کدورت صاف
نام نامی اوست جارالله	جَعَلَ اللهُ فِی الْجِنَانِ مَثْویٰ

سال نقلش ملک بهفت و نی — از رقم رحمة العلی الحق ۳۳ھ

تاریخ ولادت و رحلت حضرت سید عبد القادر جیلانی حنبلی

آنکه بی شک قطب ربانی بود — بیگمان محبوب سبحانی بود

شاه شاهان شیخ عبد القادر است — دلنشین و دلربا و دلبر است

سید و عالی نسب در اولیا — نور چشم مصطفی و مرتضی

سال مولودش ز اوج کبریا — گفت هاتف زیب تاج اولیا ۴۷۱ھ

سال مولودش که لیس بکین آشنت — شد رقم محبوب عبد القادر است ۴۷۰ھ

عقل سال نقل آن عالی شمیم — صاحب فردوس عالی زد رقم ۵۶۲ھ

سال مولود آن معلی شان — هاتفم گفت کاشف دو جهان ۴۷۰ھ

تاریخ وفات مولوی نظامی گنجوی رح

شیخ دنیا و دین نظامی بود — قدوهٔ اولیای نامی بود

گنجه را گنج دین بشد حاصل — بطفیل وجود آن کامل

خمسهٔ مثنوی ز تصنیفش — برتر از حصر عقل تالیفش

سال نقلش بزینت و حکمت — شد رقم گنجوی گل جنت ۵۹۷ھ

تاریخ رحلت خاقانی رح

افضل الدین امام خاقانی — خلف بو علی شروانی

عمدهٔ اولیای شعرا بود — زبدهٔ اصفیای فصحا بود

شافعی مذهب آن مقبول — اندرین نسبت گفته گوی فضل را

سال تاریخ نقل او رضوان — گفت طوطی جنت حق خوان ۵۸۲ھ

تاریخ رحلت امام فخر الدین رازی رح

۵۴۴ھ

آن امامیکه فخر رازی بود ‌ ‌ ‌ روز جمعه ز دهر نقل نمود
ماه ترحیل آن ستوده خصال ‌ ‌ ‌ بیگمان بود غرهٔ شوال

۶۰۶ھ

سال ترحیل نقل آن خوشرو ‌ ‌ ‌ عمدهٔ اهل جنت است بگو

تاریخ رحلت شیخ فریدالدین عطار رحمه

شیخ عطار حق فریدالدین ‌ ‌ ‌ آفتاب سپهر دانش و دین
عمر او یکصد و چهارده سال ‌ ‌ ‌ بود از لطف ایزد متعال

۶۲۷ھ

سال ترحیل آن مه دوران ‌ ‌ ‌ قبلهٔ اهل جنت است بدان

تاریخ رحلت حضرت نجم الدین کبری قدس

آنکه خورشید پیش او صغری ‌ ‌ ‌ الملقب به نجم الدین کبری
نهم ماه صوم دوشنبه بود ‌ ‌ ‌ کز دنیا بخلد عزم نمود

۶۱۸ھ

سال تاریخ نقل آن محمود ‌ ‌ ‌ خرم مقتدای دین بربود

تاریخ حضرت شیخ شهاب الدین سهروردی

عمدة الواصلین شهاب الدین ‌ ‌ ‌ قدوة الکاملین شهاب الدین

۵۳۹ھ

سال مولود او بدان به یقین ‌ ‌ ‌ اکمل اولیا شهاب الدین

۶۳۲ھ

شد رقم سال نقل آن والا ‌ ‌ ‌ زیب و زاد جنت اعلی
باز از روی اختلاف جهان ‌ ‌ ‌ جمعه و غرهٔ محرم دان

۶۳۴ھ

سال نقلش بگفت ارض و سما ‌ ‌ ‌ ساکن اوج جنت حورا

تاریخ حضرت خواجه معین الدین چشتی رحمه

فیض بخش جهان بعلم و یقین ‌ ‌ ‌ خواجه حق نما معین الدین
رونق خانهٔ خاندان چشت از وست ‌ ‌ ‌ زینت روضهٔ بهشت از وست

سال نقلش بنوشت و تمکین	گو سراج جهان معین الدین	۶۳۳ ه

تاریخ حضرت شیخ محی الدین بن عربی رح

لقب خاص اوست محی الدین	مرشد کافهٔ زمان و زمین	
هند هم بود از مه رمضان	که در آفاق شد چو خور رخشان	
چون شد او ثانی محی الدین	سال مولود او به ثانی عین	۵۶۰ ه
شد رقم سال نقل آن سامی	قدس الله سره السامی	۶۳۸ ه

تاریخ خواجه قطب الدین بختیار کاکی رح

فیض بخش جهان بصدق و یقین	قطب آفاق خواجه قطب الدین	
عقل تاریخ نقل آن محمود	آب جنت بقطب دین فرمود	۶۳۳ ه

تاریخ حضرت شمس الدین تبریزی رح

عارف بی نظیر شمس الدین	شهر تبریز مسکنش به یقین	
سال تاریخ نقل او رضوان	زد رقم شمس اوج عز و جنان	۶۴۵ ه

تاریخ حضرت شیخ فرید الدین گنج شکر رح

افتخار زمان و فخر زمین	شیخ دنیا و دین فرید الدین	
روز ترحیل آن بشنبه دان	کاندرین نیست حرف شک و گمان	
سال شفقار او خلیل آمد	بر کمالات او دلیل آمد	۶۷۰ ه

تاریخ حضرت جلال الدین رومی صاحب مثنوی رح

آنکه مولای روم جو اهل یقین	نور کون و مکان جلال الدین	۶۰۴ ه
سال مولود او خرد آگاه	شد رقم آفتاب عالیجاه	
شده تاریخ نقل او پنجم	[illegible]	

سال نقلش ز اوج هفت طبق ... هاتفم گفت قطب جنت حق — ٦٨٢

تاریخ رحلت فخر الدین عراقی رح

عارف بے نظیر فخر الدین ... که عراقی ست نام آن حقبین

سال تاریخ نقل آن مرحوم ... از خرد جان خلد شد مرقوم — ٦٨٨

تاریخ رحلت شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی رح

که سعدی که عارف حق بود ... یکصد و بست سال عمر بود

بشب جمعه بیست و نهم شوال ... شد بفردوس آن ستوده خصال

چون ز خاصان حق تعالی بود ... خاص تاریخ او ملک فرمود — ٦٩١

شیخ سعدی چو شد بمسکن عدن ... شد رقم عندلیب گلشن عدن — ٦٩٠

تاریخ رحلت حضرت ناصر الدین قاضی بیضاوی رح

آنکه او بود قاضی بیضا ... نور الله صدره ابدا

ذات عالی او منور بود ... عالمی را به علم راه نمود

سال نقلش بخوان بدر و خدا ... تا بهر از پاو سر شدست جدا — ٦٩٢

لیک تاریخ آن اخص ورود ... شهر الحق اخص رقم فرمود — ٦٩١

تاریخ رحلت حضرت سید شیخ حسینی صاحب نزهة الارواح رح

بحر عرفان و علم میر حسین ... فخر کونین و شیخ ثقلین

نزهة ما آن صفت ز تالیفش ... زاد و کنز الرموز تصنیفش

عقل تاریخ نقلش از دم قدس ... گفت عنقای قاف عالم قدس — ٧١٨

سال ترحیل آن خجسته ... هاتف غیب گفت قطب ... — ٧١٨

تاریخ رحلت حضرت شیخ رکن الدین ... سمنانی

انتظام زمان و اهل زمین	شیخ عالی نسب نظام الدین
سال ترحیل آن ستوده یقین	از خرد زبده بهشت رقم ٧٢٥

تاریخ رحلت حضرت امیر خسرو دهلوی

خسرو دهلوی به حکم خدا	لیلهٔ جمعه شد ز دار فنا
عمر هفتاد و پنج سالش بود	جانزبان شد بدرگه معبود
هژدهم بود از مه شوال	که گذشته ازین جهان ملال
خسرو دهلوی بهشتی بود	سال نقلش بگو که جنتی بود ٧٢٥
سال نقلش خسرو عیان و نهفت	باز شکر مقال طوطی گفت ٧٢٥

تاریخ رحلت امام یافعی قطب مکه رح

آن امامیکه یافعی بوده	تابع راه شافعی بوده
سال ترحیل آن ستوده سرشت	آخر دم قطب اوج خلد نوشت ٧٥٥

تاریخ رحلت حضرت شیخ نصیر الدین چراغ دهلو

آنکه ذاتش چراغ راه یقین	نام نامی او نصیر الدین
ذات او را چراغ دهلی دان	بلکه خورشید هر دو عالم خوان
شد ز دنیا چون آن نصیر زمان	سال نقلش مه بهشت بدان ٧٥٢

تاریخ رحلت حضرت سید علی همدانی رح

همدانی است سید همه دان	اسم سامی او علی همدان
شد رقم سال نقل آن والا	قطب عالی جنت اعلی ٧٨٦

تاریخ رحلت حضرت خواجه بهاو الدین نقشبندی رح

پیشوای طریق صدق و یقین	نقشبند جهان بهاو الدین

مصرع اول	مصرع دوم	حاشیه
سال تاریخ نقل آن محبوب	خردم خاص اهل دین فرمود	سنه ۷۴۱
تاریخ حضرت خواجه حافظ شیرازی رح		
افصح بی نظیر شمس الدین	طوطی سبز زار خلد برین	
بلبل آشیان گلشن راز	بیگمان هست خواجه شیراز	
بود عندلیب اللسان بحکم خدا	نور الله صدره ابدا	
سالک و عارف محقق بود	حافظ و عالم مدقق بود	
گفت تاریخ نقل آن عارف	طوطی خلد بیگمان هاتف	سنه ۷۹۱
تاریخ رحلت حضرت سید جلال بخاری الملقب مخدوم جهانیان رح		
سید بی نظیر و بی مانند	مصطفی رحمت بیگمان فرزند	
دلش از حرص و از هوا سرد است	لقبش در جهان جهان گرد است	
جد او سید جلال آمد	ذات او مصدر کمال آمد	
به بخارا حشم بدولت اوست	بخارا شرف ز نسبت اوست	
او بی شبه با کمال علوم	بجهان و جهانیان مخدوم	
سال استغفار آن عزیز جهان	گفت هاتف همای خلد جنان	سنه ۲۰۰
سال ترحیل آن خدا آگاه	گفت رضوان گل بهشت اله	
تاریخ رحلت افصح الفصحا کمال خجندی رح		
آن خجندی که نام اوست کمال	بکمال سخن نداشت مثال	
سال استغفار آن فصیح عجم	زد خرد عندلیب خلد رقم	سنه ۲۰۰
تاریخ صاحب قران اول امیر تیمور گورگان انار الله برهانه		
آنکه او صاحب قران بوده	میر تیمور نام آن بوده	

سال ترحیل آن شه مغفور — شد رقم والی جهان تیمور

تاریخ ملا سعد الدین تفتازانی صاحب مطول

قلزم علم و جود با تمکین — فاضل بے نظیر سعد الدین

گلشن چار باغ تفتازان — نور شمع و چراغ تفتازان

مختصر نقطۂ ز تصنیفس — هم مطول خطے ز تالیفش

سال ترحیل و نقل سعد الدین — بیگمان از کمال صدق و یقین

بر همه خلق روشن است و عیان — منظرا صاحب بهشت بخوان

تاریخ علامه میر شریف علی جرجانی رح

فاضل بے نظیر میر شریف — جسم او همچو روح بود لطیف

شرح و تحقیق علم منطق زوست — بیگمان شارح مواقف اوست

سال نقلش بگو بهشت مکان — یا تو قطب بهشت اورا دان

تاریخ رحلت حضرت شیخ مغربی رح

آنکه او شیخ مغربی بوده — محو ذات حق و نبی بوده

سال نقلش بگو بلا اکراه — اَتَّکَ اللّٰهُ فِی الْجِنَانِ مَثْوَاهُ

تاریخ حضرت محمد حسینی گیسو دراز رح

آنکه سید محمد حسینی نام است — بیگمان پیر اهل ایام است

عالمی را کشید از چه آز — بر سنها(؟) گیسوان دراز

سال نقلش که همچو لولو سفت — عقل مخدوم دین و دنیا گفت

تاریخ حضرت شاه نعمت الله ولی رح

روشن تراز خور و ماه است — ت کوهِ نعمت الله است

قدوهٔ دودمان آل عباست	زبدهٔ خاندان صدق و صفاست
آنکه مفتاح باب فردوس است	نقل او آفتاب فردوس است

تاریخ حضرت بدیع الدین زنده شه مدار رح

آنکه قطب مدار دنیا بود	حکم فرمای ملک عقبی بود
شاهباز رواق علیین	نامدار جهان بدیع الدین
عمر آن شاه مطلع الانوار	یکصد و بست و چار سال شمار
شد بسال طلوع آن بیقین	شمس دنیا و دین بدیع الدین
سال ترحیل او عیان بنهفت	عقل قطب المدار جنت گفت

تاریخ ناصر الدین عبید الله احرار رح

مظهر فیض و فضل و لطف اله	خواجهٔ حق نما عبید الله
عزت دودمان ابرار است	شرف خاندان احرار است
از زبان سروش حق بشنو	سال مولود آن خدا بین ضو
سال نقلش بگو بلا اشتباه	خواجهٔ عابدان عبید الله

تاریخ رحلت حضرت مولانا عبد الرحمن جامی رح

افصح بے نظیر جامی بود	بکمالات علم نامی بود
همه تصنیف آن معلی شان	عدد جام شد رقم برخوان
هاتفم گفت سال رحلت او	جای جامی بهشت عدن بگو

تاریخ وفات ملا حسین واعظ کاشفی رح

ناصح و فیاض مولانا حسین کاشفی	آنکه گنج معرفت در مخزن دلها نهاد
دیدمش در وعظ بر منبر عرش از اشرف	گفتمش تاریخ فوتش حیف ای صاحب دلا

گفت چون شد آزین بر منبر عرشم مقام — از پے تاریخ نیکو منبر عرشش باد — ۱۰۲۰ھ

تاریخ شاه علاء الدین مجذوب اکبرآبادی رح

عارف راه حق بعلم و یقین — شاه عالی نسب علاء الدین

لفظ مجذوب با علاء الدین — ضم کن و سال انتقالش بین — ۹۳۸ھ

تاریخ حضرت سید محمد غوث گوالیاری رح

سید الاولیا محمد غوث — سید الاتقیا محمد غوث

سال نقلش به تعبیه رضوان — غوث بے لوث زد رقم برخوان — ۹۷۰ھ

تاریخ حضرت شیخ احمد مغربی رح

شیخ احمد که مغربی بوده — صاحب علم و هبی بوده

قطب حق بود عمر او از حق — عدد قطب شد به نیک نسق — ۱۱۱

سال نقلش سروش غیب نوشت — جاوداں جاے احمد اوج بهشت — ۸۴۹ھ

تاریخ حضرت شاه علی گجراتی رح

سید بے نظیر شاه علی — مظهر ذات پاک لم یزلی

سال نقلش ازین سراچه گذشت — خرّم گفت نور اوج بهشت — ۹۷۳ھ

تاریخ حضرت شیخ علی متقی گجراتی رح

آنکه او هادی حقیقی و حبلی است — متقی زمانه شیخ علی است

سال ترحیل او رقم افتاد — وارث الانبیا بحق جان داد — ۹۷۵ھ

تاریخ حضرت شه عبد الغفور مجذوب شاه کبور رح

شاه عالم کبور مجذوب است — ماه عالم کبور مجذوب است

سال نقلش اگر حسن و خوب است — گفت هاتف کبور مجذوب است — ۹۷۹ھ

۹۸۰

تاریخ رحلت حضرت شیخ سلیم چشتی رح

عارف بے نظیر شیخ سلیم	مرشد و رہنمائے ہفت اقلیم
سال ترحیل آن ولی کریم	ہاتفم گفت بدر خلد سلیم

تاریخ رحلت حضرت شیخ جلال تھانیسری رح

عارف ذات ایزد متعال	قطب و غوث زمانہ شیخ جلال
ذات او بود از قدم تا سر	گل خورشید باغ تھانیسر
سال ترحیل آن ستودہ خصال	شد رقم در بہشت جای جلال

تاریخ رحلت شیخ وجیہ الدین گجراتی رح

قدوۃ الاصفیا وجیہ الدین	عالم حق نما وجیہ الدین
عقل تاریخ نقل آن بنوشت	علوی صاحب جمال بہشت

تاریخ رحلت حضرت شیخ فتح اللہ حسینی رح

عارف و سالک خدا آگاہ	شیخ عالی جناب فتح اللہ
سال نقلش بگو بغیر تعب	صبح آدینہ و ہشتم رجب

تاریخ وفات بہاء الدین آملی رح

شیخ و علامہ زمان و زمین	قلزم علم حق بہاء الدین
سال ترحیل او بلا اکراہ	ہاتفم گفت شیخ عالی جاہ

تاریخ وفات میر نور اللہ شستری رح

میر نور اللہ عالی انتساب	زین زمانہ با دل آگہ شدہ
سال نقلش مظہر الحق زد رقم	عدن جای میر نور اللہ شدہ

تاریخ رحلت حضرت شیخ احمد سرہندی فاروقی رح

انکه او بود بر خسرو مند لیست	احمد کابلی و سپهر ند لیسد
سال ترحیل آن خدا آگاه	شد رقم شیخ بود اہل اللہ

تاریخ حضرت شیخ امیر لاہوری رح

عارف راه حق به صدق و یقین	شیخ میر آفتاب کشور دین
سال نقلش ملک باوج فلک	زد رقم میر جنتی بے شک

تاریخ حضرت سید عبد القادر بخاری رح اکبرآبادی

انکه او را ندیده ام ثانی	بود ہمنام شاه جیلانی
سال نقلش که به ز گوہر سفت	عقل شہبا ز عرش اقدش گفت

تاریخ رحلت حضرت شیخ عبد الحق دہلوی رح

فاضل بد شیخ عبد الحق	حامی شرع و دین ز نیک نسق
سال نقلش خرد عیان ونہفت	بخلائق بہشت مرقد گفت

تاریخ رحلت شیخ ناظر رح

شیخ ناظر که عارف حق بود	کاشف راز و واقف حق بود
سال نقلش خسرو باہل زمان	گفت افسوس رفت قطب جہان

تاریخ وفات حضرت ولی محمد نارنولی رح

انکه او مرشد خواص و عوام	ہست او را ولی محمد نام
سال تاریخ نقل ہجرت او	مظہر الحق ولی اعظم گو

تاریخ حضرت شیخ محب الله الہ آبادی

شیخ عرفان پناه و عالی جاه	مظہر فیض حق محب الله
سال ترحیل او به نیک نسق	گوئی قطب الشیوخ مظہر حق

تاریخ وفات حضرت میر نعمان اکبرآبادی

میر نعمان که مظهر دین بود | تابع خاتم النبیین بود
سال نقلش سروش گفت بوده | میر نعمان ستوده دین بوده

۱۰۵۶ھ

تاریخ وفات میر صالح کشفی رح

میر صالح که اہل عرفان بود | صاحب کشف راز یزدان بود
عقل تاریخ آن ستوده نژاد | گفت کشفی بخلد آب بداد

۱۰۶۰ھ

تاریخ وفات حضرت میر ابو العلا رح

آنکه او با دل صفا بود | در جہان میر ابو العلا بود
گفت سال وصال او مظہر | بو العلا میر جنت اکبر

۱۰۶۱ھ

تاریخ وفات قبله گاہی ولی نعمی مرشد سید احمد رح

سید احمد که عمدهٔ دین بود | عزت شان و فخر تمکین بود
شد رقم سال نقل آن سید | آب و رونق بخلد از احمد

۱۰۶۴ھ

تاریخ شیخ حسین بن شیخ نصر الله خلف شیخ عبد الواحد

عارف متقی شیخ حسین | مرشد و میر و ہادی ثقلین
سال نقلش خرد چو گوہر سفت | بحسین زیب جنت گفت

۱۰۶۴ھ

تاریخ شیخ فیروز رح

شیخ فیروز مقتدای انام | واقف راز خالق علام
عقل تاریخ آن ستوده سرشت | گفت فیروز زیب اہل بہشت

۱۰۶۷ھ

تاریخ وفات حضرت شیخ مجتبی ستاری رح

مجتبی شیخ الشیوخ حق نما | شد ز دنیا جانب دار البقا

در مه ذلحجه سال نقل او — گفت هاتف مرشد دین مجتبی [۱۰۶۴]

تاریخ وفات حضرت سید باقی رح

میر باقی مرشد آفاق از لطف خدا — چون ازین دار الفنا شد جانب قصر جنان

ساعت و روز و ماه و سال وصالش نقل گفت — صبح شنبه پنجم شوال باقی داد جان [۱۰۶۵]

تاریخ وفات حضرت شیخ اسمعیل چشتی اکبرآبادی رح

شیخ عالی مقام اسمعیل — بود ز اهل جنت بود دلیل

گفت تاریخ نقل او هاتف — ماه فردوس و جنت اسمعیل [۱۰۶۶]

تاریخ وفات شیخ الشیوخ محمد صالح مرشد مولف مخبر الواصلین

شیخ ما عارف ست ربانی — از مریدان شاه جیلانی

گنج گنج قناعتش می خوان — گل باغ توکلش میدان

عقل تاریخ نقل آن مسعود — زد رقم اهل فیض صالح بود [۱۰۶۷]

تاریخ وفات حضرت مولوی عبدالحکیم سیالکوتی

عالم و عامل و خدا آگاه — بود عبدالحکیم رضوان جاه

سال نقلش بگو بهفت اقلیم — مسکن مولوی بخلد نعیم [۱۰۶۷]

تاریخ وفات ملا شاه مرشد دارا شکوه

مقتدای زمانه ملا شاه — نور الله قبره و ثراه

عقل تاریخ آن نمود آگاه — گفت محبوب خلد ملا شاه [۱۰۶۹]

تاریخ وفات حکیم سرمد رح

عارف حق حکیم سرمد بود — در همه عارفان سر آمد بود

گفته ام سال نقل آن مقبول — بود مقبول سرمد محبوب [۱۰۷۰]

تاریخ وفات شیخ عبد الحق رح

شیخ عبد الحق عالی مرتبت	چون ازین عالم بجنت زد قدم
سال نقل آن ولی در ماه صوم	شیخ اهل عدن رضوان زد رقم

۱۰۵۲

تاریخ رحلت شیخ جعفر رح

شیخ جعفر که مظهر دین بود	عارف حق نما و حق بین بود
سال نقلش ز نه رواق فلک	جای جعفر بهشت گفت ملک

۱۰۵۸

تاریخ وفات شاه حیدر رح

شاه حیدر که مظهر حق بود	راز دان وجود مطلق بود
گفت تاریخ نقل او رضوان	جای حیدر بکوثر و رضوان

۱۰۷۲

تاریخ رحلت شاهجهان بادشاه

خرد تاریخ نقلش چون گهر سفت	جهان خلد با شاه جهان گفت

۱۰۷۶

تاریخ وفات شیخ جمال الدین محدث رح

عالم بی نظیر شیخ جمال	عارف ذات ایزد متعال
عقل تاریخش از شوق خلد	گفت داده جمال رونق خلد

۱۰۷۳

تاریخ شیخ الهداد قادری رح

شیخ الهداد بود واصل حق	تا بحرم معبود مطلق
عقل تاریخ نقل آن مسعود	زد رقم قدوهٔ مشایخ بود

تاریخ وفات میرزا ابو نظر متخلص بنظر

آنکه در دهر نادر العصر است	بیگمان میرزا ابو نصر است
گفت تاریخ نقل او ابرار	جای بو نصر جنت والا

تاریخ شیخ معصوم سرهندی رح

قطب دین شیخ محمد معصوم — عزم چون سوی جنان فرمود

سال نقلش خرد مظهر حق — زد رقم قطب مشایخ بود

تاریخ وفات حضرت شیخ زاهد رح

سید بی نظیر زاهد بود — از تورع لشرع جاهد بود

سال نقلش بجوی بالا شد — جای زاهد بهشت والا شد

تاریخ وفات حضرت شاه نعمت الله نارنولی رح

شاه عرفان پناه عالیجاه — نعمت الله مظهر الله

گفت تاریخ نقل او ایام — نعمت الله مهر عدن مدام

تاریخ حضرت میر فیض الله بن میر ابو العلا رح

قطب آفاق میر فیض الله — جعل الله فی الجنان مثواه

سال ترحیل او سروش اله — گفت زیب جنان بفیض الله

تاریخ وفات قاسم خان

قاسم خیر بود قاسم خان — شد ز دنیا به پنجم شعبان

گفت تاریخ نقل او رضوان — چمن عدن جای قاسم خان

تاریخ وفات شیخ برهان شطاری رح

شیخ برهان که عارف حق بود — محو در ذات پاک مطلق بود

سال نقلش خرد عیان بنهفت — صاحب ملک خلد برهان گفت

تاریخ وفات میرزا حسن بیگ معروف بصوفی

عارف حق بین و بحق آشنا — بود حسن بیگ بصدق و صفا

۱۰۷۵	سال وصالش خرد م حقنما	گفت حسن بیگ با شهید خدا

تاریخ وفات شیخ پیر لکهنوی

	شیخ پیر محمد از دنیا	شد چون مهر منیر سوی سما
	در جمادی دوم ز دنیا شد	جانب اوج چرخ والا شد
۱۰۸۵	سال نقلش باشکار و نهفت	شیخ الاسلام بود هاتف گفت

تاریخ وفات شاه رفیع سبز پوش رح

	آن سیادت پناه عالی جاه	کرد وجودش به خلد عمدهٔ خلد
۱۰۸۶	سال تاریخ نقل او رضوان	گفت سیّد رفیع زبدهٔ خلد

تاریخ وفات شاهزاده سلطان محمد

	حسرتا دردا و واویلا که از چشم جهان	در زمین چون گنج زر سلطان محمد شد نهان
۱۰۸۷	در دوشنبه هشتم شوال سال نقل او	شد رقم سلطان محمد جنت خلد جنان

تاریخ وفات میر محمد عاقل بن میر محمد صالح

	رهی مقتدای جهان میر عاقل	که موصوف بوده به نیکو خصائل
۱۰۹۸	خرد گفت سال وصالش بمظهر	بجنت بود مسکن میر عاقل

تاریخ وفات شیخ عبد الرشید رح

	شیخ عبد الرشید عارف حق	بود بیشک بعلم و دانش جفت
۱۰۹۸	عقل تاریخ نقل آن مرحوم	شاه عبد الرشید بهشت گفت

تاریخ وفات میرک [illegible]

	چون از دنیا گذشت آن مرشد	بسوی خلد رفت با عزت [illegible]
۱۰۹۰	رقم زد سال نقلش مظهر الحق	ز دنیا [illegible] شد آه

تاریخ وفات قاضی قربان

قاضی که بحق همیشه راضی بوده	همناش مگر بعهد ماضی بوده	سنه ۱۰۸۵
تاریخ گذشتن محمد قربان	گفتم که بساعز نیز قاضی بوده	

تاریخ وفات معین الدین محتسب

معین الدین چو شد از دار دنیا	بسوی قصر و کاخ جنت حق	سنه ۱۰۸۵
خرد فرمود تاریخ وصالش	معین الدین بجنت داد رونق	

تاریخ وفات حضرت خلیفه ابوالقاسم رح

رفت زین دار فنا جانب خلد	آنکه بود است بسی نیک سرشت	سنه ۱۰۸۴
سال نقلش بهمه صوم خرد	گفت ابوالقاسم مصباح بهشت	

تاریخ وفات سید لطف الله شهید رح

آن حاجی و غازی و معارف آگاه	از نسل محمد و علی بست بجاه	سنه ۱۰۸۹
تاریخ شهادتش رقم زد هاتف	حقا یقین شهید شد لطف الله	

تاریخ وفات شیخ جلال متورع رح

حاجی بی نظیر شیخ جلال	بندهٔ خاص ایزد متعال	سنه ۱۰۸۹
عقل تاریخ نقل آن مغفور	زد رقم شد بهشت جای جلال	

تاریخ وفات قمر الدین حسین معصوم رح

قمر الدین حسین عالی قدر	بود والا نژاد پاک سرشت	سنه ۱۰۹۰
عقل تاریخ نقل آن معصوم	گفت شد زیب ده بهشت	

تاریخ وفات میر مومن خوشنویس متخلص بعرشی

شب پنجشنبه بتاریخ زبده	روان شد بقصر جنان میر مومن	

۱۸

چو پرسند سال وصالش محبان	بگو سید عرشیان میر مومن

۱۰۹۱

تاریخ وفات ملا سلمی بندی

سلمی شده زیں جہان بماہ رمضان	ہم از رمضان تو سال نقلش برخوان

۱۰۹۱

تاریخ وفات سید مصطفی رح

شد از لطف حق مصطفی صدر خلد	بیفزود زو رتبہ و قدر خلد
ز اوج فلک سال نقلش ملک	بلفتا زہی مصطفی بدر خلد

۱۰۹۱

تاریخ وفات شیخ عبد اللہ مرشد شاہ عالم کبیر رح

شیخ عبد اللہ والا جاہ عرفان دستگاہ	بود بیشک حق شناس حق پرست و حق نما
شد رقم سال وصال آں حقایق دستگاہ	بود عبد اللہ بیشک متقی از اولیا

۱۰۹۲

تاریخ وفات میرزا جعفر رح

رفت جعفر بسوئے والا خلد	یافت از لطف حق تعالی خلد
سال نقلش خرد بمظہر گفت	جائے جعفر مدام باد خلد

۱۰۹۲

تاریخ وفات شیخ محمد زمان متوکل

محمد زمان ماہ برج کمال	برفعت گذشت از سر اوج خلد
فلک گفت سال سعیدش بمن	محمد زمان نیر اوج خلد

۱۰۹۳

تاریخ وفات حضرت شیخ بایزید خویشگی

چون گذشت از دار فانی بایزید	یافت قصر جاودانی بایزید
سال نقلش مظہر الحق زد رقم	شد ز آفاق آہ ثانی بایزید

۱۰۹۴

تاریخ وفات فضائل پناہ مولوی عبد اللہ رح

مولوی زمانہ عبد اللہ	عطر اللہ قبرہ و ثراہ

عقل تاریخ نقل آن مغفور — گفت شد خلد جائے عبد اللہ — ۱۰۹۴ھ

تاریخ وفات شیخ طالب رح

شیخ طالب کہ طالب حق بود — در محرم شدہ ز دنیا او
سال ترحیلش از زبان سروش — جائے طالب بہشت بیشک گو — ۱۰۹۵ھ

تاریخ وفات خواجہ وقار المشتہر محرم خان

خواجہ وقار محرم خان از جہان برفت — تاریخ فوت او شنیدہ وقار از زبان برفت — ۱۰۹۵ھ

تاریخ وفات آقا باقر اصالتخانی رحمہ اللہ

دوم بود از مہ عید و دوشنبہ — کہ آقا باقر از دنیا برآمد
ملک تاریخ فوتش بر فلک گفت — بہ باغ خلد آقا باقر آمد — ۱۰۹۶ھ

تاریخ میر محمد جان نقشبندی

محمد جان صدیق بہشتی — چو در عرفان حق شد محو مطلق
بگفتم از سر اکرار تاریخ — محمد جان بہشتی واصل حق — ۱۰۹۷ھ

تاریخ وفات محمد وصال رح

بخلد چو محمد وصال واصل حق شد — ز حق شنید ندا مرحبا و طوبی لک
در آن شبی کہ برآنست سال رحلت او — وصال نیر اوج بہشت گفت ملک — ۱۰۹۸ھ

تاریخ وفات نواب شایستہ خان

مصدر فیض و کرم شایستہ خان — گوی جود و فیض از آفاق برد
سال نقل آن امیر باکرام — گفت ہاتف اہل خیر و داد مرد — ۱۱۰۵ھ

تاریخ وفات میر محمد فاضل زبرادر زادہ او

عارف حق نما بحق واصل — مظہر حق محمد فاضل

عمدهٔ دودمان مصطفوی		زبدهٔ خاندان مرتضوی	
شنبه دوم از ربیع دوم		بود گو شد بسوی چرخ نهم	
دل چو آفاق را پر از غم دید		از خرد سال نقل او پرسید	
از سر خستال گفت بدل		بجنان جای سید فاضل	سنه ۱۱۰۵

قصیده متضمن تاریخ جلوس اکبر پادشاه غازی از خواجه حسین مروی
که از مصاریع اولی سنه ۹۶۳ جلوس میمنت مانوس و از مصاریع ثانیه سنه ۹۷۷ تولد
شاهزادهٔ سلیم یعنی نورالدین محمد جهانگیر پادشاه مفهوم میشود

مصراع اول		مصراع ثانی	
للّه الحمد از پی جاه و جلال شهریار	سنه ۹۷۷	گوهر نجبه از محیط عدل آمد در کنار	۹۶۳ سنه
طائری از آشیان جاه و جود آمد فرود	سنه ۹۷۷	کوکبی از اوج عز و ناز گردید آشکار	۹۶۳ سنه
گلبنی اینگونه ننمودند بر دور چمن	سنه ۹۷۷	لاله رنگینی نگشود از میان لاله زار	۹۶۳ سنه
شاد شد دلها که باز از آسمان عدل داد	سنه ۹۷۷	باز دنیا زنده شد کز مهر ایام بهار	۹۶۳ سنه
شاه اقلیم وفا سلطان ایوان صفا	سنه ۹۷۷	شمع جمع بیدلان کام دل امیدوار	۹۶۳ سنه
عادل کامل محمد اکبر صاحب قران	سنه ۹۷۷	پادشاه نامدار و کامجوی کامگار	۹۶۳ سنه
کامل دانائی قابل اعدل شاهان دهر	سنه ۹۷۷	اعدل عالی عاقل بی عدیل روزگار	۹۶۳ سنه
سایهٔ لطف اله آن لایق تاج و نگین	سنه ۹۷۷	پادشاه دین پناه آن عادل عالم مدار	۹۶۳ سنه
مجلس وی را سماء چارمین دان عود سوز	سنه ۹۷۷	موکب وی را سماک رامح آمد نیزه دار	۹۶۳ سنه
نیر از برج وداد و گوهر دریای جود	سنه ۹۷۷	از هوای اوج دلها شاهباز جان شکار	۹۶۳ سنه
مهر میگوید همی زیبد که آن مه پاره را	سنه ۹۷۷	کز پی زیب و جمال دهر سازم گوشوار	۹۶۳ سنه
دایهٔ ابر بهار از مهربانیهای فضل	سنه ۹۷۷	سبزه با گل همزبان لولوگهر پرورده بار	۹۶۳ سنه
مهر صبح عدل و دادی مه شام اوج ناز	سنه ۹۷۷	برق کاه عزم و عزمی تو ده کاه [illegible]	۹۶۳ سنه

منہل از انعام عالی معدن از لطف کرم ۹۴۳ — بابہا و بادل دین پرور و بر ہنر کار ۹۷۷

حامئی دین نبی ای ماحی آثار بد ۹۴۳ — ای ولی عالی علم کان کرم کوه وقار ۹۷۷

بادشاہا سلک لولوئی نفیس آورده ام ۹۴۳ — ہدیہ باآن احکم ارکان بجوی وگوش دار ۹۷۷

کس نیارد ہدیۂ زین بہ اگر دارد کسے ۹۴۳ — ہر کہ دارد گو بیا چیزیکہ داری گو بیار ۹۷۷

بین ہمہ ابیات ہر دو می پاک چون آمدہ زعیب ۹۴۳ — ہر یکی بجوئی زوی مقصود دو زیاده بار ۹۷۷

مصرع اول زروے سال جلوس بادشاہ ۹۴۳ — از دوم مولود نور دیدهٔ عالم برآر ۹۷۷

تا بود باقی حساب روزہا و ماه و سال ۹۴۳ — دان حساب از سال و ماه و روز دوران با ایدار ۹۷۷

شاه ما پاینده باد و باقی آن شہزاده ہم ۹۴۳ — بی حساب روز ہا و سالہاے بے شمار ۹۷۷

قصیده مشعر تاریخ وفات سید جلال علی قدس سره از سید رحم رسول المتخلص بالا بلگرامی پسر سید مغفور مذکور کہ از ہر مصرع تاریخ سنہ ۱۲۱۰ واز منقوط وغیر منقوط ہر بیت جداجدا تاریخ و بانضمام منقوط مصرعہ اولی با منقوط مصرع ثانی خواه ثالث خواه رابع خواه ہر مصرعی کہ باشد علیحده تاریخ است واگر غیر منقوط را با غیر منقوط ہمین طریق با ہر مصرع کہ خواہی ضم کنی ونیز منقوط را با غیر منقوط خواه غیر منقوط را با منقوط از ہر کدام مصراع بہم ضم سازی در ہر صورت سنہ مذکور جداگانہ بر می آید چنانچہ

مرجع اقبال و ہمت عمدۂ کون و مکان ۱۲۱۰ — اسوهٔ ملک سعادت قبلۂ ہر انس و جان ۱۲۱۰

قدوهٔ اقطاب دہر و مجمع ارشاد حق ۱۲۱۰ — داور امجاد ملت نامدار قابلان ۱۲۱۰

صاحب علم و طریقت ہادی مجد و صفا ۱۲۱۰ — سرور احلم قفان و پیشوای امجدان ۱۲۱۰

امجد ملک صلاح و کعبۂ اہل خرد ۱۲۱۰ — اسلم اصحاب صولت رونق اہل جہان ۱۲۱۰

داور صدق و ثواب و امجد ملک علوم ۱۲۱۰ — محرم مجد و علا و باعث امن و امان ۱۲۱۰

اسعد اصحاب جود و ہمدم سر خدا ۱۲۱۰ — عالم نقد صواب و سجده گاه ربیان ۱۲۱۰

مصراع اول	مصراع دوم
شاه اسلام جلال و صاحب رشد و کمال	عمدهٔ مهر و عطا معبود اهل جان عاشقان
محسن والا مکان مستوجب و قدر و عطا	اجود اصحاب نعمت کام کار عاقلان
داور امجاد و رشد و کعبهٔ شاه و گدا	سرور اقطاب والا اهل جاه و امتنان
قطب و اهل احترام و اجود دل و قطار	اکمل دهر امامت نور اقطاب جهان
مرشد اصحاب کامل شاه اهل مجد و حلم	معدن مهر صداقت اجود صاحب دلان
عارف حق پیشوای اهل کام و جاه و قدر	احسن اصحاب صدق و تاجدار صالحان
حامی آفاق رحمت موجب مهر و هدی	سرور ابدال جاه و قدوهٔ بند و ستان
صادق و کامل علا و قدوهٔ صاحب بلا	عالم مقصود عرفان پیشوای امجدان
جان بداور داد اهل کشت و اهل قبور	صاحب علم و ثنا و مصلح امر جهان
گفت بالا سال سیر امجد و مولا صدق	هاتف سبحان را امام و سر والی جهان

تاریخ آمدن همایون پادشاه و پادشاه زادهٔ روم

مصراع اول	مصراع دوم
دولت چو سر بدر زده فتح و ظفر کشید	از رخ کشود شاهد این مراد نقاب
بر مسند سروری شاه کامران	دارا آفتاب سریر فلک جناب
طهماسب خان شاه جهان شاه نشان	سرکار دار نقطهٔ کل بعد بوتراب
از یکطرف همای همایون که کام	جست از رکاب بوسی او گشت کامیاب
از جانب دگر خلف پادشاه روم	از پابوس او سر خود سود بر سحاب
تاریخ آن قران طلبیدم ز عقل گفت	برسید کامجوی جوان شاه بر رکاب
تاریخ این مقارنه کردم سوال گفت	ما عجب رسید بپابوس آفتاب

تاریخ تعمیر قصر سلیمان شاه از مرزا بدیع نصیرابادی که از مصرع ثانی بر میآید

مصراع اول	مصراع دوم
چون شاه سلیمان شه اقبال بلند	شد بانی این مسکن بهجت پیوند

از جشن و نشاط و کامکاری دایم	در یکجای پادشه دولتمند	۱۰۰۰

از مرزا طاهر تاریخ نهر هزار جریب

شاه عباس آنکه آب زندگی	باغ عمرش را گل شادی دمید	
تا بحکم شاه آب آمد بباغ	آب باغ از نهر تاریخش رسید	۱۰۱۰

تاریخ مدرسه میر علی شیر

چون مدرسه ساخت میر با علم و ادب	فرمود مرا افادهٔ اهل طلب	
چون در ششم ماه کرد اجلاس	تاریخ طلب از ششم ماه رجب	۸۹۱

تاریخ وفات تیمور

تیمور که خسرو پیر زاد لخون کرد	در خون عدو روی زمین گلگون کرد	
در هژدهم شعبان سوی علیین تا جنت	فی الحال ز رضوان سر و پا بیرون کرد	۸۰۷

در وفات سلطان ابوسعید گورکان

سلطان ابوسعید که در خسروی	چشم سپهر پیر جوانی چو او ندید	
الحق چگونه کشته نگشتی که کشته بود	تاریخ قتل مقتل سلطان ابوسعید	۸۷۳

تاریخ وفات شاه بابر صوری و معنوی

تاریخ وفات شاه بابر	در نهصد و سی هفت بوده	۹۳۷

در وفات همایون پادشاه

ز بام قصر خود افتاد ناگاه	وزان عمر عزیزش رفت بر باد	
پی تاریخ او کاهی رقم زد	همایون پادشاه از بام افتاد	۹۶۲

در وفات شاه اسمعیل

شاه و شاه میکنند بهر شمر	من همان الفاظ را تاریخ خوش میکنم	۹۳۰

در وفات میر علیشیر

چو نازل شد انوار رحمت بروحش	بجو سال فوتش ز انوار رحمت

٩٢٦

در شهادت میر محمد یوسف صدر شاه اسمعیل

چون میر محمد خلف آل عبا	از دار فنا رفت سوی دار بقا
تاریخ شهادتش رقم کرد قضا	وَاللهُ شَهِيدٌ هُوَ حَيٌّ الْمَوْلَى

٩١٧

منقول است که این تاریخ را خواجه آصفی در فوت خود گفته ره

سالی که رخ آصفی بهفتاد نهاد	هفتاد تمام کرد و از پای فتاد
شد در هفتاد مصرع تاریخش	پیموده ره بقا بگام هفتاد

٩٢١

ملا حسین کاشفی در تاریخ اخلاق محسنی که خود تالیف نموده گفته

با خامه گفتم اینکه ز سر ساختی قدم	وز مقدم تو چشم سخن یافت روشنی
اخلاق محسنی بتمامی نوشته	تاریخ هم نویس ز اخلاق محسنی

٩٠٠

مولانا وحشی یزدی در تاریخ مثنوی مشهور بناظر و منظور یک مصرع گفته که چهار تاریخ از و بظهور میرسد نقطه دار و بی نقطه و الفاظ متصل و منفصل

کتاب ناظر و منظور بین که بر عیش	ز آسمان کمال است آیتی منزل
چو درس دولت و اقبال میر سید نظام	ازین کتاب که در هیچ جا نیست مثل
سزد که از پی تاریخ و نظم و دیر گویم	دبی نظام ز درج درس درج دول ٩٦٦ ٩٦٩
گره گشای خیالم ز مصرعی که گذشت	چهار عقده تاریخ میکند منحل
یکی ز جمله حروفی که داخل نقطه است	دوم از آنچه در و نیست نقطه زاهد جل
سوم از آن کلماتیکه وصلند بهم	چهارم آنکه در آینه عکس آن بعمل

٩٦٦

تاریخ صلح قیصر و شاه طهماسب از قاضی محمد رهی تخلص

پادشه روم و شه کامگار — صلح چو کردند بهم اختیار

از پی تاریخ گرفتم قلم — تازه شد از کلک زبی این رقم

منهی اقبال درین کهنه دیر — غلغله افکند که الصلح خیر

۹۶۹

وله تاریخ بنای خانقاه بادشاه اکبر

آن خانقهی که سوده بر چرخ سرش — فرمود بنا پادشه بحر و برش

تاریخ بناست خانقاه اکبر ۹۸۰ — دروازهٔ خانقاه تاریخ درش ۹۸۰

۹۸۰
۹۸۰

تاریخ فوت غزالی مشهدی صوری و معنوی

قدوهٔ نظم غزالی که سخن — همه از طبع خداداد نوشت

نامهٔ زندگی او ناگاه — آسمان بر ورق باد نوشت

عقل تاریخ وفاتش بدو طور — سنهٔ نهصد و هفتاد نوشت

۹۷۰

از سرخوش در الفاظ هم عدد

بر حسب موافقت چو کردیم نظر — آمد بعدد و نیستی موافق یکسر

تلخی و غم و یاس و هوس آه و حساب — عامی اعمی عشق دوست مهر و مادر

سرخوش عجب این دگر که از روی حساب — افتاد بعدد موافق در باب

شعر و کشمیر و فقر و عیش و گل و می — قرب و شب و سبزه‌ی و راحت و خواب

سرخوش عجب اینکه ز اتفاق بجد — افتاد موافق بحساب ابجد

ناز و محبوب و عاشقی و آفت — بیعقل و دراز و فتنه و کوته قد

تاریخ وفات طالب کلیم از غنی

حیف کز دیوار این گلشن پرید — طالبا آن بلبل باغ نعیم

عمر ما در یاد او زیر زمین — خاک بر سر کرد قدسی و کلیم

[illegible]		عاقبت از اشتیاق کمد گر
[illegible]		گفت تاریخ وفات او غنی

تاریخ وفات اکبر بادشاه از [illegible]

گشته [illegible] اکبر شاه		فوتِ اکبر شد از قضاے اله

تاریخ وفات جهانگیر بادشاه [illegible]

[illegible]		شهنشاهِ جهان شاه جهانگیر
[illegible]		چون نور الدین محمد بود [illegible]
[illegible]		ازین ماتم سرا چون رخت بربست
[illegible]		چو تاریخ وفاتش جست کشفی

از عبد الجلیل [illegible]

[illegible]		چو شد ابهام زیر خنصر او رد
[illegible]		قلاع گرد شد مفتوح [illegible]
[illegible]		ز انگشتان شد بر عقد [illegible]
[illegible]		بعینه بود شکل [illegible]

تاریخ عزل حکیم [illegible] از [illegible]

تاریخ [illegible]		[illegible] حکیم از نیا بت
[illegible]		از جاے حکیم [illegible] بر گیر

تاریخ تولد شاهجهان بادشاه [illegible]

[illegible]	۱۰۰۰	خدا وجود [illegible] عالم امکان	۱۰۰۰
[illegible]	۱۰۰۰	ز لطف یزدان [illegible] وجود [illegible]	۱۰۰۰

عدد	مصرع اول	عدد	مصرع دوم
۱۰	ز جود شه بجهان باد تا ابد ملک آراسته	۱۰۰۰	بدید آز در شاهوار صد عمان
۱۰۰۰	ز جام فیض اوماه با حیات ابد	۱۰۰	مدام باده الطاف و قدرت یزدان
۱۰۰۰	بدهر ثانی او این پناه ملک بود	۱۰۰۰	که صد قران زید این جهان اوان
۱۰۰۰	هزار سال چو از هجرت آمده بوجود	۱۰۰۰	شهنشهی که بود زندگی عالمیان
۱۰۰۰	هزار قرن بماناد آن که هر دم ازو	۱۰۰۰	بود بدور جهان صد هزار جان شادان

تاریخ وفات بابر پادشاه

عدد	مصرع اول	عدد	مصرع دوم
۹۳۷	پادشاه دهر بابر کان عدل لطف بود	۹۳۷	واقف احسان عالم مصدر لطف الٰه
۹۳۷	سال جان او گزیده جا بفردوس برین	۹۳۷	جا گرده حق ابد گزیده بابر پادشاه

قصیده مشتمل بر تهنیت و تاریخ جلوس امجد علیشاه پادشاه صوبه اوده که از هر مصرع ۱۲۵۸ بر می‌آید

عدد	مصرع اول	عدد	مصرع دوم
۱۲۵۸	ای جبینت آفتاب مطلع اقبال و جاه	۱۲۵۸	با رکاب تو دوان صبح و مسا این مهر و ماه
۱۲۵۸	بحر با لطف و نوال تو بسان قطره	۱۲۵۸	کوه با شأن معلای تو کم از برگ کاه
۱۲۵۸	بر سر گردون دون عالم چرا نبود بجد	۱۲۵۸	نام نامیت شده امجد علی عالم پناه
۱۲۵۸	چون تو سلطان صاف دل نادیده پیر آسمان	۱۲۵۸	صبح صادق را در این معنی همی آرم گواه
۱۲۵۸	چون بهر در ریش بعد زبون عاجزی	۱۲۵۸	بسکه از جود و سخا و لطف در سازی نگاه
۱۲۵۸	مور را از پای جستین جسم افزون کسی	۱۲۵۸	حاصل از انعام والای تو جاه و دستگاه
۱۲۵۸	دشمنان را بزدل و روبه نسازی از چه رو	۱۲۵۸	روز و شب حامی بود حب علی شیر الٰه
۱۲۵۸	عینک نایاب مهر و مه زنگ مدت سپهر	۱۲۵۸	با سر حکمت پژوهی می‌نهد پیش نگاه
۱۲۵۸	لیک در شاهان سهیم تو ندیده هیچگه	۱۲۵۸	متقی و صالح و پرهیزگار و دین پناه
۱۲۵۸	ای که جمله شاعران در عهد اقدس کامیاب	۱۲۵۸	ساز ز الطاف و کرم بر مبتهای من نگاه
۱۲۵۸	بهر هر مصراع دارد که یک سال جلوس	۱۲۵۸	تا ز جود تو بطاق آسمان سایم کلاه

ملح والا آمد از تعداد وحید بیرون نصیب	۱۲۵۱	شوگهر سنج دعای شه زعمر و لطف و جاه
تا ز اجلاس شه انجم فلک را جاه و اوج	۱۲۵۱	باشد از یمن عطای ایزدی بی اشتباه
از جلوس میمنت مانوس با صد شانها	۱۲۵۱	تانی گردون مدام اورنگ باد ایا اله

۱۲۵۱ ۱۲۵۱ ۱۲۵۱

مخبر الواصلین

تاریخ وفات حضرت طبر عالم رح

مولفه

قلندر بود شاه طبر عالم	ز عالم ظلمت کفر است از و دور
چون جستم وصلتش از رحمت حق	شنیدم ناگهان نور علی نور

۶۸۸

تاریخ حضرت بابا فخر الدین رح مولفه

آن قلندر که بابا فخر الدین	واقع شبه و رنمای یقین
رفت چون بست البیسیین با حق	گفت هاتف قلندر بر حق

۶۹۴

تاریخ حضرت قادر ولی رح مولفه

آنکه قادر ولی ولی الله	هست قطب زمانه ماه سمانی
قرب حق یافت چون از روح حق	غوث بی لوث بود [illegible]

۹۷۸

از باقر آگاه تاریخ رحلت حضرت شه ابو الحسن قربی رح

رکن دین شاه ابو الحسن قربی	پیشوای مقربان اله
چون که دریافت قرب حق سالش	غاب قطب البلاد گفت آگاه

۱۱۸۸

تاریخ رحلت حضرت سید محی الدین ذوقی رحمته الله علیه

سر افراد محی الدین ذوقی	که فیض او ست بر ابدال و اوتاد
چون واصل شد بحق سال وصالش	این گفته که غالب قطب الامجاد

۱۱۹۲

تاریخ رحلت حضرت شاہ ابوالحسن قادری خلف و دقی رح

شد از جہان رخصت روان ابوالحسن — پے سیر در روضۂ جاویدان

در آمد بہ مغرب سر آفتاب — چہ گویم سنش غاب قطب الزمان

۱۲۳۲

تاریخ رحلت مولانا عبدالعلی ملک العلماء رح

چون رفت از جہان فاضل نامور — کہ او بود است کالشمس بین النجوم

خرد گفت تاریخ سال وفات — بزیر زمین رفت گنج علوم

تاریخ رحلت حضرت مولوی باقر آگاہ رح

چون رخت از دار دنیا بست آگاہ — [illegible]

پے تاریخ آن از درد جانکاہ — [illegible]

بگفتا از سر ماتم [illegible] — [illegible]

تاریخ وفات رئیس المفسرین سند المحدثین قدوۃ المقیمان مقام قاب قوسین او ادنیٰ زبدۃ واقفان اسرار دنی فتدلی مولانا حضرت شاہ عبدالعزیز دہلوی رحمۃ اللہ علیہ

شاہ عبدالعزیز فخر جہان — فاضل دہر کامل دوران

حامی دین محدث و حافظ — عارف حق مفسر قرآن

مشتہر در عرب بشمس الہند — مجمع فیض ثانی نعمان

از قضا آن محقق والا — گشت بیمار تا بہ نزع روان

صبح یکشنبہ ہفتم شوال

روح پرواز شد بسوی جنان

سن هجری چو جستم از رافت / گفت ای نکته سنج و قاعده‌دان

سال فوتش ز هر عدد پیداست / از احد تا الوف زین عنوان

خواهی از هر عدد که تاریخش / اولاً چارچند کن پس از آن

یک بیفزا و ضرب کن در ده / پس بکن طرح بست و ثابت ای جان

در صد و بیست و چار باقی را / ضرب فرما تو ای فهیم زمان

پس به نقصان یک عدد دریاب / فوت آن مفخر زمین و زمان

تاریخ غیب شدن حضرت سید احمد سلطان المجاهدین رح المولف

سید احمد که بود آل نبی / کامل الذات مجمع البرکات

عابد الله بود آن عارف / باکرامات گفته‌اند ثقات

مومنین را امیر شد لقبش / پیشوای مجاهدین بغزات

چونکه غالب اراده الله بود / گشت مغلوب لشکر آن ذات

غیب از آن شد سن از بیان غیب / غاب قطب الانام گفت حیات

تاریخ شهادت مولانا اسمعیل شهید رح

آنکه اسماعیل فاضل جامع فضل و کمال / حاجی و حافظ محدث غازی و نحوی شعار

نام چون ذبیح الله در اسم و صفت / قرة العین سر چشم و چراغ روزگار

وارث [illegible] بن عبد الغنی / بن ولی الله بن عبد الرحیم نامدار

تا [illegible] گفت / [illegible] سبیل الله سلطان [illegible]

تاریخ وفات حضرت احمد علی رح

[illegible] احمد علی [illegible] دین / که روشن تر چراغ دین از و بود

[illegible] هاتف گفت [illegible] / چراغ دین شده سر دود آلود

تاریخ وفات سید سندی حضرت میر محمد علی واعظ رحمة الله

آه آن واعظ شیرین کلامی — محمد اسم علیش نام نامی
جگر بند رسول و مرتضی بود — بشرع و معرفت هم پیشوا [illegible]
وحید الدهر مغبوط افاضل — فرید العصر محسود [illegible]
چو واصل شد بحق آن نیک القاب — دل گفتا که غائب [illegible]

تاریخ وفات حضرت محمد المعروف به خان عالم خان [illegible]

[illegible] حضرت فاروق — عالم و فاضل و رئیس [illegible]
نام نامیش خان عالم خان — یادگار جهان [illegible]
یکه [illegible] علم صدر نشین — [illegible]
روز پنجشنبه بست و یکم صوم — رفت زینجا [illegible]
سال نقلش بگفت ارض و سما — مرقدش نور جائے او [illegible]

تاریخ وفات حضرت سید حاجی محی الدین رح لمولفه

جناب حاجی محی الدین سادات — که فیض او بود بر خاص [illegible]
چو از دار الفنا فرمود رحلت — ندا آمد که غائب قطب [illegible]

تاریخ وفات مفتی امین الدین حافظ رح لمولفه

مفتی مولوی امین الدین — حامی شرع و حافظ و تقی [illegible]
رخت بر بست چون ازین عالم — گفت هاتف که رفت مفتی دین

تاریخ وفات مولانا مولوی اسلم رح لمولفه

[illegible] سراج العلما — اسلم لقبش بهر زبان رفت
[illegible] ذو التصانیف — فیاض زمان چو از میان رفت

سر غیب بنشش بگفت نوّاب ... نوّاب ہم اندرین زمان رفت

تاریخ رحلت قاضی القضات مصطفی علیخان خوشدل

۱۲۷۴

چون بملک بقا ز دار فنا ... رفت اقضی قضات و بحر علوم

فکر سال وفات او کردم ... شده تاریخ خوشدل مرحوم

تاریخ رحلت ارتضا علیخان خشنود لمولفه

۱۲۳۸

آنکه علامۂ علوم الدین ... مولوی ارتضا علی خان بود

فاضل دہر قاضی القضات ... متخلص بحال خود خشنود

علم منقول با فروغ و اصول ... بود معقول او بگفت و شنود

رخت بربست چون ازین عالم ... عالمی را کمال غم افزود

گفت مشتاق سال رحلت او ... بادل خوش بگو که شد خشنود

تاریخ مولوی جمال الدین مرحوم

۱۲۷۰

چون جمال الدین مولانای ما ... کرد رحلت از سرای بے بقا

بہر سال رحلتش آمد ندا ... فادخلی فی جنتی حکم قضا

تاریخ نواب حیدر علیخان بہادر

۱۲۷۶

زہی گنبد کز شکوہ بنا ... فلک زیر دستش بود در علو

بود شمع اش نور چشم فلک ... قمر یافته ضوء تعلیم ازو

ترا وش کنا بہر رحمت ز خاک ... گروہے ز کسرو بیان گسر داد

چون دید چج تازہ آید بچشم ... نمودم ز روحانیان حبت وجو

کہ این شاہ آسودہ را نام چیست ... چہ تاریخ رحلت نمودہ است او

۱۲۹۶

یکی زان میان گفت تاریخ و نام ... کہ حیدر علی خان بہادر بگو

تاریخ شهادت ٹیپو سلطان شهید رح

شاه ما چون بملک بر تر شد — اهل مجلس همه مسخر شد
روح قدسی بعرش گفت نراه — نسل حیدر شهید اکبر شد

۱۲۱۳

تاریخ نواب محفوظ خان مرحوم

چون غلام حسن شهامت جنگ — رخت بربست زین جهان ناگاه
گفت تاریخ هاتف صادق — جعل الله جنته مثواه

۱۲۱۰

تاریخ دفن نواب والا جاه مغفور للمؤلف

آن کریمکه رفت والا جاه — بود مسکین نواز بے تیغ
شد چون خیرات برهم از دفنش — گشت تاریخ سال او تاریخ

۱۲۱۱

تاریخ نواب عمدة الامرا مرحوم

جناب عمدة الامرا بهادر — چو شد بر جان عالم عمده داغ است
جهان چون بے چراغ از فوت او شد — ازانجا سال فوتش بے چراغ است

۱۲۱۶

تاریخ نواب عظیم الدوله مرحوم

چونکه نواب عظیم الدوله — رفت و در خلد برین کرد مقام
از سر درد بگفتم تاریخ — حیف [illegible] دستون سدم [illegible]

تاریخ نواب اعظم جاه مرحوم للمؤلف

امیر هند اعظم جاه نواب — سوی دار البقا چون گشت رحلت
نمودم جست و جو سال وفاتش — سروشم گفت ناگه داغ بر دل

۱۲۳۴

تاریخ جلوس نواب غلام غوث خان بهادر

راوج محل تا حضیض زمین — سر غوث ثانی بدست گرفت

تاریخ رحلت نواب غلام غوث خان مرحوم

چون مہر زر سرخ بہر ذرہ سپردی | چون ابر گہر دادی و منت نشمردی
پروردۂ احسان تو افسوس چہ سم داد | ناگاہ شنیدیم کہ مظلوم بمردی

١٢٧٢

تاریخ کتاب لمولفہ

زبر این مجمع تاریخہائیست | کہ فی الواقع درین اوراق آمد
بجل عاشقان کشتگانست | ز معشوقیکہ آن خلاق آمد
سنین و سالہای وصلت شان | فراہم کردہ مشتاق آمد
بہ نزع سال تالیفش چو بودم | سنین رحلت عشاق آمد

١٢٧٥

ط

یکی از محبان مولف کہ نامیش جہانگیر خان خلف عبد الله خان سورتی ہست عمارت تازہ دستہ منزلہ در لشکر گاہ بنگلور تعمیر کردہ تاریخ او از ہندی با فکر کردہ بود چنانکہ

تعالی الله وہی قیوم دایم | مکین لامکان جو عز و جل ہے
محمد مصطفی ہر دو سرا مین | شفیع امت از روز ازل ہے
یہی مقصود حمد و نعت کے بعد | طفیل حضرت شاہ رسل ہے
کہ عبد الله خان سورتی سے | جہانگیر ایک عالم مین مثل ہے
بنائی اُسنے یک تازی عمارت | بہ لشکر گاہ بنگلور آپ ہی ہے
کہا ہی جسکی یک تاریخ مشتاق | کہ ہر یک مصرع اسکا با عمل ہے
یہ دولتخانہ ہو مشہور آفاق | دیکھو اس کاخ پر کاخ بدل ہے
١٢٧٨ | ١٢٧٨
خجستہ دور اسکا یعنے تاریخ | نشین نقشہ یہ شادی محل ہے
١٢٧٨ | ١٢٧٨

تاریخ شهادت تیپو سلطان شهید رح

شاه ما چون بملک برتر شد	در حل مجلس پیمبر شد
روح قدسی بعرش گفت که آه	نسل حیدر شهید اکبر شد

۱۲۱۳

تاریخ نواب محفوظ خان مرحوم

چون غلام حسین شهامت جنگ	رخت بربست زین جهان گذاد
گفت تاریخ هاتف صادق	جعل الله جنة مثواه

۱۲۱۲

تاریخ دفن نواب والاجاه مغفور مونقه

آنکه از مکه رفت والاجاه	بود مسکین نواز بی توبیخ
شد چون خیرات بر هم از و نشر	گشت تاریخ سال او تاریخ

۱۲۱۱

تاریخ نواب عمدة الامرا مرحوم

جناب عمدة الامرا بهادر	چو شد بر جان عالم عمده داغ است
جهان چون بی چراغ از فوت او شد	از آنجا سال فوتش بی چراغ است

۱۲۱۶

تاریخ نواب عظیم الدوله مرحوم

چونکه نواب عظیم الدوله	رفت و در خلد برین کرد مقام
از سر درد بگفتم تاریخ	حیف افتاد ستون اسلام

[illegible]

تاریخ نواب اعظم جاه مرحوم مونقه

امیر الهند اعظم جاه نواب	سوی دار البقا چون گشت راهی
نمودم جست و جو سال وفاتش	سر [illegible] داغ بر دلها

۱۲[illegible]

تاریخ جلوس نواب غلام غوث خان بهادر

[illegible]	سر غوث [illegible] ریاست [illegible]

[illegible]

تاریخ رحلت نواب غلام غوث خان مرحوم

چون مهر زر سرخ بهر ذره سپردی — چون ابر گهر دادی و منت نشمردی
پروردهٔ احسان تو افسوس چه سازم — ناگاه شنیدیم که مظلوم بمردی

تاریخ کتاب لمولفه

زبر این مجمع تاریخهائیست — که فی الواقع درین اوراق آمد
بحال عاشقان کشتگانست — ز معشوقیکه آن غلّاق آمد
سنین و سالهای وصلت شان — فراهم کردهٔ مشتاق آمد
به نزع سال تالیفش چو بودم — سنین رحلت عشّاق آمد

قطعه

یکی از محبان مولف که نامِ نامیش جهانگیر خان خلف عبد الله خان سورتی است عمارت تازه در منزل لشکرگاه بنگلور تعمیر کرده تاریخ او از بندی فکر کرده بود چنانکه

تعالی الله وہی قیوم دایم — مکین لامکان جو عزّ و جل ہے
محمد مصطفی ہر دو سرا مین — شفیع امت از روز ازل ہے
یہی مقصود حمد و نعت کے بعد — طفیل حضرت شاہ رسل ہے
کہ عبد الله خان سورتی سے — جہانگیر ایک عالم مین مثل ہے
بنائی اسنے یک تازی عمارت — بہ لشکرگاہ بنگلور آپ بل ہے
کہا ہے جسکی یک تاریخ مشتاق — کہ ہر یک مصرع اسکا با محل ہے

یہ دو لتخانہ پر مشہور آفاق — [illegible] اس محل کی تاریخ [illegible]
١٢٧٨ — ١٢٧٨

خجستہ دور اسکا یعنے تاریخ — نشین نقشہ پہ شادی محل ہے
١٢٧٨ — ١٢٧٨